

تاریخچه سینمای گیلان

www.ketab.ir

کریم کوچکی زاد

سرشناسه	: کوچکی‌زاد، کریم، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخچه سینمای گیلان / کریم کوچکی‌زاد.
مشخصات نشر	: رشت : نشر بلور، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۶ ص.: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۶-۳۸۲-۲:
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: سینما -- ایران -- گیلان
موضوع	: سینما -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ک۹۱۹الف/۱۹۹۳/ PN ۵
رده بندی دیویی	: ۷۹۱/۴۳۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۸۴۰۲۵

تاریخچه سینمای گیلان

کریم کوچکی‌زاد	: نویسنده
انتشارات بلور	: ناشر
اول	: نوبت چاپ:
۱۳۹۵	: تاریخ انتشار:
مؤسسه ساقی	: امور فنی:
۲۹۶/وزیری	: تعداد صفحه/قطع:
چاپ زیتون	: چاپ و صحافی:
۱۰۰۰	: شمارگان:
۱۶۰۰۰ تومان	: قیمت:

نشانی: رشت، خیابان امام خمینی، کوی آقخرا، جنب مسجد، انتشارات بلور
 تلفن: ۰۱۳-۳۳۲۴۵۵۷۵ ۰۱۳-۳۳۲۶۲۲۲۲ ۰۱۳-۳۳۲۵۶۶۱۷ فکس:

همراه: ۰۹۰۲۱۹۷۵۱۳۳ SMS: ۰۵۰۰۲۰۶۰۵۰۶۰

Email: bolor_publications@gmail.com
www.bolorbook.com

تَشکُر

در تهیه‌ی مطالب این کتاب مدیون کسانی هستم که مرا از آغاز دهه‌ی ۳۰ به سینما بردند. یعنی پدرم یعقوب کوچک، زاد و مادرم ربابه سوزنکار.

همچنین سپاسگزارم از:

همسر مهربانم سرکار خانم ناهید، ظانته، به پاس صبوری و تشویق؛

از دختر هنرمندم که در ارائه‌ی آثارها، سینمایی از طریق اینترنت، یاری‌ام کرد؛

از برادرانم مهندس فرامرز و افشین کوچکی، که از کتابخانه‌هایشان بهره‌جستم؛

از خانم فرحناز شاهین‌پور و آقایان فرهاد مهرانفر و حمدرضا یکرنگ صفاکار، هنرمندان

سینمای جوان، که در دادن اطلاعات مربوط به فیلم‌ها، مستند و کوتاه، کمک کردند؛

از آقایان طاهر خوش‌خلق شهردار اسبق انزلی و تقی بارور نساء معروف که درباره‌ی

سینمای انزلی به من آگاهی‌هایی دادند؛

از آقای رضا راستاد کوچصفهانی درباره‌ی سینمای کوچصفهان؛

از آقایان غلامعلی‌نیکو، حسن سهرابی، ضیا موسوی، کاظم حسینی اصلی مقدم درباره‌ی

سینما در خمام؛

از آقای یوسف نوده‌ی زنجانچی درباره‌ی سینمای لشت‌نشا.

از حمایت‌های بی‌دریغ حاج آقا محمد نیک‌بخش و بویژه جناب آقای فیروز فاضلی

مدیریت محترم ارشاد اسلامی گیلان و بالاخص از آقای حمید بلوری متمدن مدیر محترم

انتشارات بلور.

فهرست

۹	مقدمه.....
۱۵	بخش اول (سال شصت و یکم از رخسارهای سینمایی در گیلان).....
۲۵	بخش دوم (تاریخچه سینما در ایران).....
۲۷	بخش سوم (سینماهای رشت).....
۴۷	بخش چهارم (سالن سینما در سایر شهرستان‌های گیلان).....
۶۱	بخش پنجم (سینماهای غیررسمی).....
۶۳	بخش ششم (مروری بر نمایش چند فیلم قدیمی).....
۶۷	بخش هفتم (فیلم‌هایی که در گیلان ساخته شد).....
۸۵	بخش هشتم (کانون‌ها، انجمن‌ها، سینمای آزاد).....
۱۰۱	بخش نهم (سینمای گیلان در مجله‌ها).....
۱۰۵	بخش دهم (اهالی سینما در گیلان).....
۲۲۳	معرفی کوتاه بقیه‌ی هنرمندان سینمای گیلان.....
۲۴۵	فهرست منابع.....
۲۴۷	منابع عکس.....
۲۴۹	فهرست کسان.....
۲۶۷	فهرست فیلم‌ها.....
۲۸۹	فهرست سریال‌ها.....
۲۹۵	فهرست سینماها.....

مقدمه

یکصد سال از تولد سینما در دنیای ما می‌گذرد. آنچه تاریخ ۱۰۰ ساله‌ی سینمای ما را از لحظه‌ی تولد تکون ساخته، ضربان قلب هنر و شکوفایی آزادانه‌اش بود. قلبی که امروز به آرامی می‌تپد و آنچه را که ما امروز می‌سازیم تاریخ فردا خواهد بود.

بدیهی است که سینمای ایران دیگر نفس نمی‌کشد. اگر با نگاهی آرمانی به آینده‌ی این هنر نگاه نشود، سکوت قلبی آن به راحتی قابل لمس خواهد بود. می‌توانیم خودمان را قضاوت کنیم. در چند دهه‌ی اخیر هیچ پام ارزنده‌ای در عرصه‌ی هنر سینما برای آیندگان به جا نگذاشتیم تا حقیقت آنچه را که پیرامونمان اتفاق می‌افتد ببینند، بخوانند و بدانند.

جای بسی امیدواری است که هنر از جنس ماهیتی برخوردار است که همواره زیر بار دردناک‌ترین سرکوب‌ها خود را باز تولید می‌کند و امید را فریاد می‌زند. چرا که برخلاف هنرمند، هنر فانی نیست، این سینمای دوران است که مرده است.

شناسه‌های متعددی پیرامونمان وجود دارد که درستی این گفته را به اثبات می‌نشانند. دوران خاکستری ما با شکستن قانون کپی رایت، انفجار فیلم توسط ماهواره، DVD و دانلودهای اینترنتی، فیلم‌ها از سینما به خانه‌ها منتقل شده‌اند. سینماها هر روز خالی‌تر شده‌اند. در نتیجه هیجان برای دیدن فیلم‌های وسترن، پلیسی یا درام دهه ۶۰ میلادی، صف بلند بلیت، بازار سیاه بلیت‌های گران‌تر و اشغال صندلی‌های بی‌سماره است و کلاه برای همراهانمان دیگر پدید نخواهد آمد. به رغم وجود دود سیگار و زحمت برخاستن برای سرود شاهنشاهی، دوران جوان تاریخ سینما از نوستالوژی گرانبهایی برخوردار است. متأسفانه کپی رایت در خون ما ایرانیان جاری است. شرم‌آورترین آن را در شبکه‌های تلویزیونی خودمان شاهد هستیم. به قدری آشکار که از نام بردن آن باکی نیست. مستندهایی که از شهرت عمومی برخوردارند همچون: HUMAN Planet [اسپاره‌ی انسان‌ها]، African Cats [گره‌های آفریقایی] و غیره... یا مستندهای ساخت شرکت‌های جهانی همچون «نشال جئوگرافیک» یا «بی بی سی طبیعت» از شبکه‌ی مستند سیمای

ایران پخش می‌شوند در حالی که نام مستند را تغییر داده و در تیتراژ پایانی آن، آرم شرکت سازنده به کلی حذف شده و در عوض می‌نویسند «تهیه شده در شبکه‌ی مستند جمهوری اسلامی ایران!»

رسانه‌های تصویری که باید الگوی فرهنگ باشند این چنین عمل می‌کنند. بنابراین امروز جامعه‌ای داریم که بسیاری از آن‌ها کپی کردن هر فیلم، موسیقی و یا نرم‌افزار را به تهیه‌ی نسخه‌ی اورجینال آن ترجیح داده و قید حمایت از هنر و هنرمند را می‌زنند.

هر موجی عکس‌العملی ایجاد می‌کند که نتیجه‌اش اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل است که در دهه‌ی ۴۰ تا ۵۰ با رشد سینما در گیلان تعداد سینماها به ۴۰ سالن افزایش پیدا کرد که ده درصد سینماهای کل کشور را به خود اختصاص داده بود. اما امروزه با شش برابر جمعیت تعداد کل سینماهای فعال استان به زور به ۱۰ سالن می‌رسد. و در مرکز استان از سینمای به بعد اصلاً خبری نیست. این تمام میراثی است که ما به آیندگان سینما دوستان تحویل خواهیم داد. به طور کلی آنچه امروز در صنعت سینمای ایران و گیلان در حال رخ دادن است رمنه‌ای را برای بررسی آینده‌ی هنر هفتم ایجاد نمی‌کند.

سینمای گیلان همزمان با ولد سینمای ایران نخستین گام‌های خود را برداشت و از همان آغاز بازتاب فرهنگ و هنر گیلان را در عرصه سینما از مرز و بوم این استان فراتر رفت.

پیشرفت زود هنگام سینمای ایران همزمان با ورود این صنعت در جهان، مدیون فرهنگ گیلانیان بود. مردان و زنانی که متمایز از مسیر اندیشه و مدل زندگی دیگر مردمان سرزمین ایران قدم برداشته بودند. در روزگاری که حتی هنرمندترین و با استعدادترین انسان‌ها برای ورود به صنعت فیلم‌سازی و حتی سینما و آثار خلاقانه‌ی فرهنگی به معیاری ارزش‌مندتر و قوی‌تر نیاز داشتند؛ شهامت و عزم راسخ.

یکصد سال پیش برای اذهان عمومی ایران، زندگی خصوصی زنان بازیگر همچون شناکردن در جریان اندیشه‌های غریب و تخالف‌زا بود. از این رو اگر در صنعت فیلم‌سازی سینمای ایران از کارگردانان گیلانی و بازیگران زن گیلانی فاکتور بگیریم، رشد سینمای ایران به زمانی بس طولانی‌تر از آن چه اتفاق افتاد نیاز داشت. تا تعمیم یابد. به رغم این که پیشرفت سینما در ایران بیش از چهار دهه ادامه پیدا نکرد، تا حدی در ماهیت نگاه عموم به سینما و سینماگران تأثیرگذار بود.

نکته‌ی کلیدی اینجا بود که «فرهنگ جامعه» باید از تونل تنگ روشنگری عبور می‌کرد

تا وارد دگردیسی‌های قرن بیستمی شود. در نتیجه همیشه چند قدم عقب‌تر از پیشرفت سینما قرار داشت. چرا که در سرآغاز صنعت ساخت فیلم در ایران سختی‌های متعددی علاوه بر مسایل فرهنگی وجود داشت. مشکلاتی نظیر عدم تدارکات و ادوات، استودیو، مبارزه‌ی تجار وارد کننده‌ی فیلم‌های خارجی، نگاه تک بعدی و بعضاً سنتی مدیران دولت و سختی استفاده از خانم‌ها در فیلم به بار سنگین فیلم‌سازی در کشور می‌افزود. آشکار است که دگردیسی‌های صنعتی، فرهنگی، علمی و ایدئولوژیک در اذهان عمومی بشر با کنندی فراوان صورت می‌گیرد. اما در این میان همواره افرادی انگشت شمار وجود دارند که

عبدالحسین بسپا

Setare-banou.blogspot.com

ذهنشان از تان خرزش بالایی برخوردار است. در زمینه فیلم‌سازی، این موضوع در افرادی همچون آوانس اوگانیانس، ابراهیم مرادی و عبدالحسین بسپا که همزمان اولین فیلم‌سازان ایران بودند صریح می‌کند.

از میان این سه نفر، بسپا در طبع بدی گیلک بود [غلامرضا شیروانی] و اولین فیلم اطاق ایرانی را در بمبئی هندوستان ساخت؛ دختر لر.



آوانس اوگانیانس به همراه خانواده (دختر سمت راست زما اوگانیانس، بازیگر)

اوگانیانس اصلاً ایرانی نبود و حتی اوایل ورودش به ایران که ۲۹ سال داشت قادر به فارسی صحبت کردن به درستی نبود. با این حال ازدواج دومش با خانمی از اقلیت‌های

مذهبی بندرانزلی و بعدها تغییر نامش به «رضامزده» و نیز موفقیتش در تأسیس مدرسه‌ی آرتیستی سینما، هویت او را با عنوان «پدر سینمای ایران» ایرانی کرد.

ابراهیم مرادی متولد بندر انزلی و اصالتاً اولین ایرانی بود که در ایران فیلمی ایرانی ساخت و در سال ۱۳۱۰ اول در انزلی و رشت و بعد در تهران فیلم را به نمایش گذاشت. اولین فیلم درام ایرانی را نیز با عنوان «بوالهوس» در سال ۱۳۱۲ ساخت. اولین استودیوی فیلم‌سازی را در استان گیلان و در سال ۱۳۰۸ در بندر پهلوی [انزلی]، تأسیس کرد. مخترعی با استعداد بود که بسیاری از ادوات فیلم‌سازی نظیر دستگاه زیرنویس‌گذاری، دوربین فلامبراری، دستگاه صداگذاری و... را خودش می‌ساخت. او نشان عالی مدرسه اکول یونس در سال پاریس را کسب کرد.

پس از دوران صداقت‌اندیشی برای ایفای نقش خانم‌ها در نمایش‌ها، لچک به سر می‌کردند، زنان ارمنی کمک شایسته به بازیگری زنان در ایران کردند. و این موضوع تا شروع فیلم‌سازی ادامه داشت. خانم‌ها ارمنی گیلانی؛ ژاسمین ژوزف، لیدا ماطاوسیان، سیرا نوش، راهگشای اولین زنان بازیگر ایران در سال ۱۳۰۸ بودند که سپس خانم‌ها؛ قدسی پرتوی (همسر ابراهیم مرادی)، اختر پرتوی، ایران دفتری، زین لقا پوررسول (هوشمند)، منیره آخوندنیا (تسلیمی) و... از جمله گیلانی‌هایی بودند که لقب اولین هنرپیشه‌های زن ایران را به خود اختصاص دادند.

کتاب پیش رو، قسمتی از زندگی سینما در ایران و تأثیرش در ایران را بازگو می‌کند تا نام فرهنگ‌سازی را که در این راه خود را از دیگران متمایز ساختند که فرهنگ را از بند تعصب‌های باستانی و فلسفی و ایدئولوژیک برهانند، به دست فرهنگ‌نویسان زنده نگاه دارد.

امید است، نام این خدمتگزاران در راهروهای تاریخ تاریخ حذف نشود تا ایران شاهد باز تولید انسان‌های فرهیخته‌ی این چنینی در تمامی هنرها باشد و تاریخ لااقل نزدیک به واقعیت نگاشته شود، چه در سینما، ادبیات یا هنر.

پونه کوچکی زاد